

## افکار عمومی جهان و بحث جهانی شدن

تظاهرات گسترده مردمی علیه پدیده جهانی شدن تبدیل به یک امر عادی در همایش‌های بین‌المللی پیرامون این روند شده‌است. تظاهرات علیه همایش سازمان تجارت جهانی در سیاتل آمریکا، اعتراضات گوناگون در داووس علیه نشست جهانی اقتصاد و همچنین تظاهرات علیه سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی (بانک جهانی - صندوق بین‌المللی پول و ...)، همگی نشان از شکل‌گیری مخالفتی رو به گسترش جهانی دارند که با پدیده جهانی شدن مخالف است. همگام با این فعالیت‌های اجتماعی و حرکات سیاسی علیه جهانی شدن، چاپ کتاب‌ها و مقالات فراوان در سراسر دنیا در مخالفت با آن، نمایانگر این است که کارشناسان تراز اول دنیا نیز با طرح جهانی شدن اقتصاد مخالفت دارند. جالب اینجاست که آثار و کتاب‌های مخالفین اقتصاد جهانی در حال حاضر از پر فروش‌ترین کتاب‌ها در کشورهای غربی به شمار می‌آیند. کتاب‌هایی همچون "تورر اقتصاد" و "دیکتاتوری سود" نوشته ویویان فورستر، نویسنده فرانسوی، نمونه‌هایی بارز از این گرایش در جوامع غربی است. در عین حال، هنگامی که پای صحبت اقتصاددانان نشسته و

به استدلال آنها درباره جهانی شدن اقتصاد توجه می‌کنیم، روشن می‌شود که دلایل اقتصادی زیادی برای گرایش به جهانی شدن وجود دارد. این که جهانی شدن اقتصاد، افزایش تجارت جهانی، ایجاد جریان سرمایه‌گذاری در بازارهای در حال توسعه و ... به رفاه بیشتر شهروندان دنیا و توسعه اقتصادی می‌انجامد، از نظر اقتصادی تا حدی قابل دفاع است. ولی مخالفت جوامع بین‌المللی، حتی جوامعی که نظام سرمایه‌داری را به عنوان نظام اجتماعی-اقتصادی خود پذیرفته‌اند، این امر نشان می‌دهد که استدلال اقتصادی به تنهایی کافی نیست. در اینجا به برخی از عواملی که در این فرایند مورد توجه تئوریسین‌های اقتصادی قرار نگرفته‌اند، اشاره می‌شود:

۱- یکی از عواملی که جوامع بین‌المللی با آن مخالفت می‌کنند، این واقعیت است که پدیده جهانی شدن ظاهراً قدرت زیادی به شرکت‌های چند ملیتی داده‌است. این احساس به حدی است که اکثر مخالفین برایین عقیده‌اند که با رشد جهانی شدن، شرکت‌های چند ملیتی از دولت‌ها نیز قوی‌تر شده و اقتدار دولت‌ها را زیر سؤال خواهند برد.

۲- نقش فرهنگ ملی در کشورهای متفاوت دنیا در پذیرش یا عدم پذیرش یک روند جدید، در روند فعلی جهانی شدن در نظر گرفته نشده‌است. به عبارت دیگر نمی‌توان

واقع بینانه نیست. همچنین شرکت‌های چندملیتی دارای توان بالقوه‌ای برای سرمایه‌گذاری در ایران هستند که برای ایجاد اشتغال به آن نیازمندیم.

برای استفاده بهینه از پدیده اقتصاد جهانی بایستی بر سیاست‌ها و فرآیندهای آن در سطح جهان تأثیر گذاشت و در این توهّم به سر نبرد که می‌توان تنها با وضع قوانین ملی همه منافع خود را حفظ کنیم.

به عبارت دیگر ایران باید که در سطح سازمان‌های جهانی حضور داشته باشد و فرآیند جاری را به جهتی سوق دهد که در عین دستیابی به عناصر مثبت، حتی‌الامکان از عوارض منفی آن نیز جلوگیری شده و به تنوع فرهنگی و عناصر بومی نیز توجه شود. در این چارچوب تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی را می‌توان قدمی مثبت دانست که باید با اقدامات حضور ملموس‌تر در مباحث و سیاست‌گذاری‌های اقتصاد بین‌المللی آن را تقویت کرد.

کلیه ارزش‌های اقتصاد سرمایه‌داری را بر جوامع دنیا تحمیل کرد. جوامع گوناگون دارای ارزش‌ها و اولویت‌های متفاوت هستند و تعریف واژه‌هایی همچون رفاه اقتصادی، رشد و توسعه باید با واقعیت‌های فرهنگی و بومی هر جامعه همخوان باشد. این تفاوت فقط مربوط به کشورهای غربی و کشورهای در حال توسعه نیست، بلکه میان کشورهای توسعه‌یافته نیز تفاوت‌های ارزشی زیادی وجود دارد که فرآیند جهانی شدن به آن توجه نکرده است. به طور مثال این باور که افزایش سود و رشد سرمایه، لزوماً موجب ایجاد رفاه می‌شود دقیق نیست و پرسش این خواهد بود که این مهم چگونه و با زیر پا گذاشتن چه ارزش‌هایی به دست می‌آید. ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و ... ارزش‌هایی هستند که در این چارچوب باید مورد توجه قرار گیرند.

در عین حال و با وجود مخالفت‌های زیاد، به نظر می‌رسد که نیاز دنیا به رشد اقتصادی، اشتغال و سرمایه‌گذاری به گسترش تجارت و تعامل اقتصادهای ملی انجامیده و به نوعی جهان به سوی یک اقتصاد بین‌المللی در حرکت است. پرسش اینجاست که با این پدیده در حال ظهور و همچنین با گسترش روزافزون شرکت‌های چند ملیتی چگونه برخورد خواهیم کرد. بدیهی است که نفی ظهور اقتصاد بین‌المللی و نفی سازمان‌های بین‌المللی همانند سازمان تجارت جهانی برخورداری



است که فقط می‌تواند از یک بحث آزاد که در آن گروه‌های مختلف با دیدگاه‌های ویژه خود مشارکت کنند، حاصل گردد. بیژن خواجه‌پورخویی

## پورتوآلگره:

### نشست اجتماعی جهان

همزمان با نشست اقتصادی داووس (نشست جهانی اقتصاد)<sup>۴</sup> در روزهای پایانی ژانویه ۲۰۰۱ میلادی، گروهی از سندیکاها و سازمان‌های غیردولتی در شهر پورتوآلگره در برزیل "نشست اجتماعی جهان" را برای بسیج بین‌المللی جامعه مدنی و طرح مفهوم جهانی شدن، متفاوت با آنچه در نشست داووس مطرح می‌شد، ترتیب دادند. پیشینه جنبش "مخالفت با جهانی شدن" به اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی برمی‌گردد. امروزه ترجیح می‌دهند که این جنبش یا این جنبش‌ها را "مخالفت با نحوه نئولیبرالی جهانی شدن" بخوانند. دو موفقیت بزرگ این جنبش، یکی در سال ۱۹۹۸ بود که باعث توقف مذاکرات درباره موافقت‌نامه چندجانبه سرمایه‌گذاری شد و دیگری، در سال ۱۹۹۹ در سیاتل که منجر به متوقف شدن دور جدید مذاکرات در سازمان تجارت جهانی شد.<sup>۴</sup> موفقیت‌هایی که جنبش جهانی شدن یا مخالف نحوه نئولیبرالی جهانی شدن به دست

از سوی دیگر، باید بدانیم که در نگرانی‌های خود نسبت به عوارض جهانی‌شدن اقتصاد، تنها نیستیم. محدود کردن قدرت شرکت‌های چند ملیتی، نهادینه کردن توجه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران به ارزش‌های فراملی، منطقه‌ای و ملی، ایجاد یک جو تفاهم بهتر میان عوامل گوناگون در این فرایند و ... همگی اهدافی هستند که با حضور در سطوح سیاست‌گذاری می‌توان به آنها توجه کرد.

در واقع، شناسایی فرآیند جهانی شدن اقتصاد به عنوان یک پدیده منفی به نفی تکنولوژی در ادوار گذشته بی‌شباهت نیست و هستند فرهنگ‌هایی که فن‌آوری مدرن را نپذیرفته‌اند و به زندگی سنتی خود ادامه می‌دهند. ولی آن فرهنگ‌هایی که فن‌آوری را پذیرفته‌اند و آنرا بومی کرده‌اند، در استفاده از آن نیز با موفقیت‌هایی روبرو بوده‌اند. عوامل اقتصاد جهانی نیز هم دارای نقاط قوت و فرصت‌هایی برای اقتصاد ایران است و هم تهدیدهایی را با خود به همراه دارد. برای محدود کردن این خطرها، بایستی با شناخت و دانش کامل بیش از پیش بر روند شکل‌گیری آن تأثیر گذاشت. در عین حال شاید مهم‌ترین نکته این باشد که این شناخت همانطور که پیش از این گفتیم خارج از چارچوب فرهنگی و پیشینه تاریخی قابل حصول نیست. یعنی شناختی